



در کتابخانه ملی جمهوری تاجیکستان (به نام ابوالقاسم فردوسی) در دوشنبه شهر، نسخه‌ای خطی با شماره ثبت ۱۷۹۰ نگهداری می‌شود که به خط احمد بن علی مقریزی (د: ۱۶ رمضان ۸۴۵) مورخ بزرگ مصری است. این نسخه در واقع منتخبی است از کتاب *دُرّةُ الأسلاک فی دولة الأتراك*، اثر بدرالدین ابومحمد حسن بن عمر بن حسن بن حبیب دمشقی (د: ربیع الآخر ۷۷۹). اهمیت نسخه در اینجاست که تاکنون ناشناخته بوده و در فهرست آثار پرشمار مقریزی نامی از آن به میان نیامده است. در این مقاله، تفصیلی از اوصاف نسخه مذکور به دست می‌دهیم.^۱

نسخه‌ایست به قطع عمومی ۱۴×۱۶ س م، ولی این قطع به سببی که خواهد آمد، ثابت نیست و برخی اوراق کوچک‌تر و رنگی است، در ۱۷۹ برگ و از آغاز آن چند برگ افتاده است. طبق شماره‌گذاری جدید، نسخه از برگ نه آغاز می‌شود و بنابراین، افتادگی اوراق نخست به چند سال اخیر مربوط می‌شود. خوشبختانه انجامة نسخه* محفوظ مانده و همان نشان می‌دهد که نسخه به خط مقریزی و کتاب، منتخب اوست:

^۱ معرفی مختصری از این نسخه - که در این مقاله از آن با نام «منتخب» یاد می‌کنیم - در فهرست زیر آمده است:

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی تاجیکستان (ابوالقاسم فردوسی)، به کوشش علی بهرامیان و همکاری عبدالله یونساف (قم: کتابخانه بزرگ آية الله مرعشی، با همکاری مرکز اسناد تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۰)، ۹۱: ۱، ش ۴۹۵.

نگارنده از مسئولان کتابخانه ملی تاجیکستان، از همه بیشتر استاد دکتر محی‌الدتیوف، رئیس وقت کتابخانه، و استاد عبدالله جان یونساف، رئیس بخش نسخ خطی، که با بزرگواری تمام اجازه دادند از برخی اوراق این نسخه عکس برداری شود، بی‌اندازه سپاسگزار است.

^۲ نسخه مذکور، از جمله نسخه‌های وقف بر کتابخانه مشهور خواجه محمد پارسا (د: ۸۲۲ ق، مدینه)، از شیوخ بزرگ نقشبندی در ماوراءالنهر بوده است

اثری ناشناخته از مقریزی

(منتخب درّةُ الأسلاک فی دولة الأتراك)

از مجموعه خواجه محمد پارسا)

علی بهرامیان*

(مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی)

چکیده: در کتابخانه ملی جمهوری تاجیکستان در دوشنبه شهر نسخه‌ای خطی به خط احمد بن علی مقریزی، مورخ بزرگ مصری در ۸۴۵ ق نگهداری می‌شود (ش ۱۷۹۰) که در واقع منتخبی است از کتاب *دُرّةُ الأسلاک فی دولة الأتراك* اثر بدرالدین ابومحمد حسن بن عمر حسن بن حبیب دمشقی (د: ۷۷۹ ق). این نسخه تاکنون ناشناخته بوده و در فهرست آثار پرشمار مقریزی نامی از آن به میان نیامده است. در این مقاله تفصیلی از اوصاف نسخه مذکور به دست داده شده است.

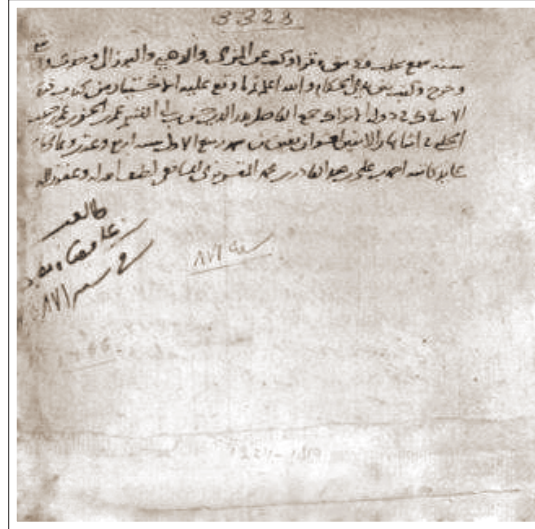
مقریزی این نسخه را بر اوراق پشت و رو سفید ننوشته بلکه ورق بزرگی را که قبلاً بر روی آن خطوطی با قلم درشت نوشته شده بوده به صورت قطعات کوچک درآورده و بر پشت و روی همان‌ها کتابت کرده است. نمونه‌های دیگری نشان می‌دهد که مقریزی عادت داشته است مسودات خود را بر روی چنین اوراقی کتابت کند.

کتاب *دُرّةُ الأسلاک* که در واقع یک دوره تاریخ سلاطین مملوک مصر است وقایع را از سال ۶۴۸ تا ۷۷۷ ق به طور سالشمار در بر می‌گیرد. این کتاب ذیلی هم دارد به قلم طاهر بن الحسن، پسر مؤلف، که او حوادث را تا سال ۸۰۲ ق ادامه داده است.

مقریزی انتخاب خود را از این کتاب بر روی اوراقی نوشته که قبلاً بخشی از یک ورق بزرگ بوده است، گرچه مقریزی توقیع نیز می‌نوشته است، ولی به هیچ روی معلوم نیست که خطوط اولیه این اوراق نیز از او باشد.

کلیدواژه: مقریزی، احمد بن علی، ۷۶۶-۸۴۵ ق؛ *دُرّةُ الأسلاک فی دولة الأتراك*؛ مصر، تاریخ، ۶۴۷-۹۲۳ ق؛ ممالیک؛ ابن حبیب، طاهر بن حسن، ۴۷۰-۸۰۸ ق؛ ابن حبیب، حسن بن عمر، ۷۱۰-۷۷۹ ق.

* پژوهشگر تاریخ اسلام.



ت ۱: انجامة «منتخب ذرة الأسلاك»، ۸۲۴ ق (تاجیکستان، کتابخانه ملی، ش ۱۷۹۰)

و بر پشت و روی همان‌ها کتابت کرده است. دست کم یک نمونه دیگر نشان می‌دهد که مقریزی مسوئات خود را بر روی چنین اوراقی کتابت می‌کرده است. مسوده‌های کتاب دیگر مؤلف، یعنی المواعظ و الأعتبار یا الخطط* موجود است ت ۲ و اخیراً به طرز شایسته‌ای به کوشش استاد ایمن فؤاد سید منتشر شده است. مصحح دانشمند کتاب، نمونه‌هایی از اصل مسوئات مقریزی را در پایان مقدمه عالمانه خود آورده است. مؤلف، همچون نسخه منتخب ذرة الأسلاك*، مسوئات ت ۳ خود را بر روی اوراق قبلاً نوشته شده کتابت کرده است. البته از آنجا که اوراق مذکور تکه تکه شده، نمی‌توان به سیاق مطالب آن پی بُرد؛ گرچه می‌توان از درشتی و نوع خط و گاه عبارات حدس زد که اوراق مذکور، بخشی از یک ورق بزرگ و آن به احتمال بسیار فرمانی دولتی بوده است (← دنباله مقاله). شماری از آثار مقریزی، اعم از به جای مانده یا مفقود شده، اختصاراتی است که او از آثار بزرگ دیگر تدارک دیده است. از اختصارات او، طبق تحقیق استاد ایمن فؤاد سید، دو اثر اینک موجود است:

۱. المنتقى من أخبار مصر، تألیف ابن میسر (د: ۶۷۷ق) که مقریزی در اواخر ماه ربیع الآخر سال ۸۱۴ق از کتابت آن فراغت یافته و نسخه آن به خط وی در کتابخانه ملی پاریس موجود است. ۲. مختصر الکامل فی معرفة ضعفاء المحدثین، تألیف ابن عدی (د: ۳۶۵ق)، مقریزی در ۷۹۵ق کتابت آن را به پایان آورده و نسخه به خط او در کتابخانه مراد ملای استانبول محفوظ است. ۴

تَمَّ مَا وَقَّعَ عَلَيْهِ الْاِخْتِيَارُ مِنْ كِتَابِ ذُرَّةِ الْاَسْلَاكِ فِي دَوْلَةِ الْاَتْرَاكِ جَمْعُ الْفَاضِلِ بَدْرِ الدِّينِ حَسَنَ بْنِ اَبِي الْقَاسِمِ عَمْرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَمْرِ بْنِ حَبِيبِ الْحَلْبِيِّ فِي اَثْنَاءِ نَهَارِ الْاَثْنَيْنِ لِعِشْرَانَ [كذا] بِتَقْيَنَ مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْاَوَّلِ سَنَةِ اَرْبَعٍ وَعَشْرِينَ وَ ثَمَانِمِائَةَ عَلَيَّ يَدِ كَاتِبِهِ اَحْمَدَ بْنِ عَلَيَّ بْنِ عَبْدِ الْقَادِرِ ابْنِ مُحَمَّدِ الْمُقْرِزِيِّ الشَّافِعِيِّ لَطْفَ اللّٰهُ لَهُ وَ غَفَرَ لَهُ. گذشته از انجامة، نشانه دیگری هم از کتاب دانشمند و پراوازه آن، صحت انتساب نسخه را به مقریزی تأیید می‌کند: مقریزی، اختصار از کتاب مذکور را بر اوراق پشت و روسفید نوشته، بلکه ورق بزرگی را که قبلاً بر روی آن خطوطی با قلم درشت نوشته شده بوده، به صورت قطعات کوچک در آورده



ت ۲: برگی از «المواعظ و الاعتبار».

→ و مهر مخصوص این کتابخانه، در کنار غالب اوراق به چشم می‌خورد. (درباره این کتابخانه و سرنوشت آن برای نمونه، نک: پ. گریازنویچ، مقدمه بر تاریخ الخلفاء، مسکو، ۱۹۶۷م، بند I و مآخذی که در ذیل آن به دست می‌دهد). باید به این نکته مهم توجه کرد که نسخه «منتخب» ۲ سال پس از مرگ خواجه محمد پارسا کتابت شده است و به گمان ما، نسخه مذکور از جهت تکمیل آگاهی‌های مادر باب آن کتابخانه نیز حائز کمال اهمیت است. ضمناً یک رقم قرائت به خط خواننده‌ای ناشناس به تاریخ سال ۸۷۱ق در زیر انجامة مقریزی، نشان می‌دهد که نسخه تا این تاریخ در مصر بوده است. ۳ این نسخه دو بار چاپ شده است: نخست در ۱۹۱۹م به کوشش هانری ماسه در قاهره و دیگر بار به کوشش ایمن فؤاد سید با تعلیقات و تصحیحات نوین، در ۱۹۸۱م در همانجا. ۴ ایمن فؤاد سید، مقدمه بر مسوئذ کتاب المواعظ و الاعتبار (لندن: مؤسسه الفرقان، ۱۴۱۶ق/ ۱۹۹۵م)، ص ۶۰.



ت ۳: برگی از «منتخب درة الأسلاك».



و ذیل آن سخن گفته و می نویسد این دو کتاب آنقدر از حیث روش نگارش به هم نزدیک اند که نمی توان آن دو را از هم جدا دانست، تا بدان جا که به نوشته او، بعید نیست سراسر درة الأسلاك نگارش فرزند بدرالدین بن حبیب، یعنی طاهر بوده و او درة الأسلاك را بر اساس مسوئله پدر خویش، یعنی همین کتاب تذکره النبیّه، فراهم آورده باشد.^۵ ولی اگر واقعاً بخش هایی از کتاب به خط بدرالدین بن حبیب وجود داشته باشد،^۶ آنگاه تشکیک عاشور بی وجه به نظر می رسد. گرچه ما در صدد تحقیق در باب انتساب درة الأسلاك به بدرالدین ابن حبیب نیستیم، اما ادله دیگری نسبت درة الأسلاك را به بدرالدین ابن حبیب تأیید می کند، از جمله خود مقریزی. مقریزی کتاب دیگری دارد به نام دُرر العقود الفریدة فی تراجم الأعیان المفیده که اخیراً به کوشش دکتر محمود جلیلی در سلسله انتشارات دارالغرب الاسلامی (بیروت، ۱۴۲۳) طبع شده است. مؤلف خود نوشته است که کتاب را در ۵۰ سالگی تألیف کرده، یعنی حدود ۸۱۶ق، ولی به گفته مصحح دلیلی در دست است که تألیف بخش اعظم آن در ۸۳۹ق به پایان رسیده است.^۷

کتاب درة الأسلاك فی دولة الأتراك - که مقریزی انتخابی از آن فراهم آورده - تألیف بدرالدین ابومحمد حسن بن عمر ابن حسن بن حبیب دمشقی، متولد در شعبان ۷۱۰ق در حلب و متوفی در ۲۱ ربیع الآخر ۷۷۹ق در همان شهر است.^۵ از این مورخ مشهور، چندین تألیف دیگر در دست است، از همه مشهورتر کتاب تذکره النبیّه فی ایام المنصور و نبیه که بر اساس نسخه خط مؤلف، در سه مجلد به کوشش محمد محمدامین و با مقدمه و تعلیقات و توضیحات سعید عبدالفتاح عاشور در قاهره، میان سال های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۶ چاپ شده است.^۶ کتاب درة الأسلاك در واقع یک دوره تاریخ سلاطین مملوک مصر است و وقایع را از ۶۴۸ تا ۷۷۷ق به طور سالشمار دربر می گیرد. کتاب درة الأسلاك، ذیلی هم به قلم پسر مؤلف، طاهر بن الحسن دارد که او حوادث را تا سال ۸۰۲ق ادامه داده است. متن درة الأسلاك به کوشش دو خاورشناس هلندی در اواسط سده ۱۹ همراه ذیل آن نشر شده و ۱۰ سال نخست آن را نیز پ. لندر (P. Leander) در ۱۹۱۳م منتشر کرده است.^۷ عاشور در مقدمه تذکره النبیّه، از شباهت بسیار درة الأسلاك

^۵ برای شرحی از زندگی او و فهرست آثارش نک: سعید عبدالفتاح عاشور، مقدمه بر تذکره النبیّه، ج اول، قاهره، ۱۹۷۶م.
^۶ عاشور در مقاله دیگری، شرحی از کتاب و ماجرای چاپ آن به دست داده است، با مقدمه کوتاهی در باب دوره تاریخی مؤلف: عالم الفکر، س ۱۵ (ژانویه - مارس ۱۹۸۵)، ۴: ۲۵۵ به بعد.
^۷ برای نشانه های این دو چاپ نک: سعید عبدالفتاح عاشور، مقدمه بر تذکره النبیّه، ص ۲۰، ذیل عنوان «درة الأسلاك» و کارل بروکلیمان، تاریخ الأدب العربی، ترجمه سید یعقوب بکر (مصر: دارالمعارف، بی تا)، ۶: ۱۳۶ - ۱۳۷.
^۸ سعید عبدالفتاح عاشور، همانجا.
^۹ بروکلیمان، همانجا.
^{۱۰} احمد مقریزی، در درر العقود الفریدة (بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۳/۲۰۰۲م)، ۱: ۶ (مقدمه محمود جلیلی).

مقریزی در ذیل تراجم حرف ح، فصلی را به ابن حبیب اختصاص داده و از کتاب درة الأسلاک هم نام برده، ولی از «منتخب» خویش از آن کتاب یادی به میان نمی آورد.^{۱۱} او در پایان ترجمه احوال بدرالدین ابن حبیب می نویسد: «وهو والد الرئيس زين الدين طاهر الآتي ذكره إن شاء الله تعالى».^{۱۲} سپس در تراجم حرف طاء، از این طاهر نام برده و از تاریخ تولد و وفات او و مشاغل دولتی وی یاد کرده است. وی در سطور پایانی این بخش نوشته است: «... وَ ذَيْلَ عَلِيٍّ «تاریخ» آیه...»^{۱۳} که به احتمال قریب به یقین مقصود او از «تاریخ»، همان درة الأسلاک است.

اگر مقریزی، چنانکه خود گفته، کتاب درر العقود الفريدة را در ۸۱۶ق تألیف کرده باشد، با توجه به تاریخ کتابت «منتخب» موجود (ربیع الأول ۸۲۴)، نام نبردن از آن بی وجه نیست، ولی اگر به نوشته جلیلی، او در ۸۳۹ق تحریر کتاب را به پایان برده باشد، یا دست کم تا این تاریخ مشغول همچنان تحریر و تکمیل آن بوده است، آنگاه عدم اشاره به انتخاب از درة الأسلاک شگفت انگیز به نظر می رسد. البته به نوشته سخاوی، مقریزی بنا بر نوشته خودش، بیش از ۲۰۰ مجلد بزرگ تألیف داشته^{۱۴}، و شاید او آنقدر به «منتخب» خود اهمیت نمی داده است تا در این موضع از کتاب درر العقود الفريدة از آن یادی به میان آورد.

ضمناً گذشته از انتساب صریح درة الأسلاک به بدرالدین ابن حبیب در درر العقود، مقریزی در انجامه نسخه کنونی نیز صریحاً او را مؤلف کتاب معرفی کرده است، گرچه عین عبارت او در این باب قابل تأمل به نظر می رسد: «... جَمْعُ الْفَاضِلِ بَدْرُ الدِّينِ حَسَنِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ...».

برگه‌های نخستین نسخه موجود از منتخب درة الأسلاک* ت ۴ با کمال تأسف افتاده و در حال حاضر ما از چگونگی آغاز آن آگاهی نداریم. خطبه مقریزی در آغاز کتاب می توانست بسیار مفید باشد، ولی اگر هم چنین خطبه‌ای وجود داشته، اینک از آغاز نسخه افتاده است. نسخه کنونی از حوادث و وفیات سال ۶۴۹ق، با این عبارت آغاز می شود: «العدول وأكابر الدولة وفيها توفي قاضي القضاة كمال الدين ابو الفضل عبدالرحمن...». نسخه «منتخب» نیز مانند اصل کتاب در ۷۷۷ق پایان می پذیرد. از مقایسه متن موجود از درة الأسلاک و منتخب آن می توان دریافت که مقریزی از عبارات ادیبانه و مسجع مؤلف در گذشته^{۱۵} و فقط به درج اطلاعات تاریخی آن اکتفا کرده است^{۱۶}:



ت ۴: برگه از «منتخب درة الأسلاک».

^{۱۱} احمد مقریزی، همان، ۲: ۱۳-۱۴: «حسن بن عمر بن الحسن بن حبیب بن عمر بن شیوخ [كذا] بن عمر الدمشقي الأضل الحلبي المولود الدار، أبو طاهر بن أبي القاسم الأديب الفاضل بدر الدين بن المحدث زين الدين. ولد بخلب في سنة عشر وسبع مئة وخضر على بيترس العدي في الزابغة من عهده و على أبي بكر بن العجمي... وكان أدبياً بارعاً وحديثاً و ألف كتاب «تسيم الصبا» و كتاب «النجم الثاقب في أشرف المناقب» و كتاب «أخبار الدول و تذاكر الأئمة» مستجعاً و كتاب «درة الأسلاک في دولة الأتراك» و قال الشُّعْرُ وَ تُوْفِي بِحَلْبِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ الْحَادِي وَالْعِشْرِينَ مِنْ رُبْعِ الْآخِرِ سَنَةِ تِسْعٍ وَسَبْعِينَ وَسِتِّ مِئَةٍ...» همانجا.

^{۱۲} همان، ۲: ۱۹۹-۲۰۰: «...وَلِدٌ بَعْدَ سَنَةِ أَرْبَعِينَ وَسِتِّ مِئَةٍ بِحَلْبٍ... وَقَدِمَ الْقَاهِرَةَ فِي سِنِي بَضْعٍ وَسَبْعِينَ وَكَتَبَ بَدِيحِي الْأَنْشَاءِ وَصَارَ مِنَ الْأَعْيَانِ وَخَدِمَ فِي التَّوْقِيعِ عِنْدَ جَمَاعَةِ مِنْ أَكْبَارِ الْأُمَرَاءِ وَنَابَ عَنْ كَاتِبِ السَّرِّ...» مرگ او در جمعه ۱۷ ذی حجه ۸۰۸ در قاهره واقع شده است.

^{۱۳} محمد سخاوی، الضوء اللامع (قاهره، بی تا)، ۲: ۲۳: «وَ قَدَرَأْتُ بِحَطِّهِ أَنْ تَصَانِفَهُ زَادَتْ عَلَيَّ مِثْقَالَ مِثْقَلِ كِبَارٍ».

^{۱۴} مقریزی ظاهراً عبارت پردازی را در تاریخ نگاری چندان خوش نمی داشته است، چنانکه ذیل شرح احوال ابن عربشاه (د: ۸۵۴ق)، مؤلف کتاب مشهور عجایب المقدور فی نواب تیمور، در درر العقود الفريدة (۱: ۲۸۷-۲۸۸) نوشته است:

«... وَقَدِمَ عَلَيْنَا الْقَاهِرَةَ فِي سَنَةِ أَرْبَعِينَ وَ زَارَتْنِي مَرَارًا عَدِيدَةً وَأَوْفَقَنِي عَلَى كِتَابِ سَمَاءِ «أُمُورِ تَيْمُورٍ» بِتَضَعْنِ مِثْقَالَ مِثْقَلِ تَيْمُورٍ لَكَ وَ مَنْشَأَهُ وَ تَرْقِيهِ حَتَّى تَغْلَبَ عَلَى الْمَمَالِكِ إِلَى أَنْ هَلَكَ، فَلَحْظَتُهُ لِأَنَّهُ جَمَلَةٌ مَشْهُورَةٌ مُسْجَعًا وَ مَحْمَعًا بِالْأَشْعَارِ...» [تأکید از ماست]

^{۱۵} نگارنده این سطور با وجود فحص شدید، با کمال تأسف به متن چاپی کامل درة الأسلاک دسترسی نیافت و مقایسه موجود از روی چاپ ناقص پ. لندر صورت گرفته است:

P. Leander, «Aus Badr ad-din Abū Muhammad al-Hassan bin Ḥmar bin Habib's...», *Le Monele Oriental*, 1913, VII, 1.



«منتخب» مقرري

وفيها توفي قاضي القضاة كمال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن عبد السلام بن إسماعيل بن عبد الرحمن بن إبراهيم الدامغاني الحنفي قاضي بغداد من بيت العلم والقضاء درس بالمستنصرية ومشهد أبي حنيفة ثم استقل بالوظيفة وكانت وفاته ببغداد.

والعلامة بهاء الدين أبو الحسن علي بن هبة الله بن سلامة الجميري المصري الشافعي خطيب القاهرة كان عارفاً بالقراءات، متقناً للغة، سمع وحدث وأفتى ودرس وأنتهت إليه مشيخة العلم بالديار المصرية حتى مات بالقاهرة عن تسعين سنة.

سنة خمسين و ستمائة

فيها وصل عسكر التتار الى بلاد الجزيرة و ديار بكر وجاءوا في تلك الجهات، فقتلوا و نهبوا و سلبوا و شعنوا البلاد حتى بلغت عدة القتلى عشرة آلاف و عدة الأسرى مثل ذلك وقع بمدينة حلب حريق عظيم ظهر فتلّف فيه شيء كثير من المال و احتترقت ستمائة دار.

متن «درة الأسلاك»

فصل وفيها توفي قاضي القضاة كمال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن عبد السلام بن إسماعيل بن عبد الرحمن بن إبراهيم الدامغاني الحنفي الحاكم ببغداد إمام ظهر كماله وتضاعف جلاله وعلت أنجم وجهته و نمت رياض حرمته و نباهته كان سديد الأحكام، شامخ الجبال والآكام ذا بيت معروف بالقضاء والعلم أهل بأهل الفضل الجلم درس بالمستنصرية و مشهد الإمام أبي حنيفة وناب عن جماعة من حكام بغداد ثم استقل بالوظيفة واستمر ماضياً حُكمه وقضاؤه إلى أن عزّ على أصحابه وأحابه عزّؤه وكانت وفاته ببغداد عن [...] سنة تغمده الله برحمته.

وفيها توفي العلامة بهاء الدين أبو الحسن علي بن هبة الله بن سلامة الجميري المصري الشافعي خطيب القاهرة أماً ألف الجامع وأطرب السامع وجمّل المحراب وزين المنبر بما قلده من دُرر الخطب و الخطاب كان عذب المشرع والمشرّب، عارفاً بالقراءات متقناً للمذهب حسن الخلق طاهر اللسان واسع الصدر وافر الأُحسان سمع وحدث وأفاد وأفتى ودرس وأعاد وأنتهت إليه مشيخة العلم بالديار المصرية واستمر إلى أن أصابه ما أصاب أصحاب الأعمار السريعة وكانت وفاته بالقاهرة عن تسعين سنة تغمده الله برحمته.

سنة خمسين و ستمائة

فيها وصل عسكر التتار إلى بلاد الجزيرة و ديار بكر وجاءوا في تلك الجهات والتواحي وعانوا كالأكلب الضواري بالمتن والضواحي، فقتلوا و نهبوا و سلبوا و شعنوا البلاد و أكثروا من الفساد وسفكوا دمّ المقيم والزاحل و المملك والمملوك حتى بلغت عدة القتلى عشرة آلاف و عدة الأسرى مثل ذلك وأنتهكوا حرمة المسلمين ألا لعنة الله على الظالمين و فيها وقع بمدينة المخذولين أوقدوا ناره وأضرموا شراره وقصدوا به الأذى وساقوا منه الى عيون المسلمين أي قذى روع الناس و ضيق الصدور والأنفاس وأعاق عن المعاد إلى المعاش وأكل كثيراً من الأموال والأمتعة والقماش وألّف نحو ستمائة دار و رمى أهل الغنى بسهام الأفتقار و حُصل به الضرر الزائد و النكد المارق شيطانهم المارد ثم لطف صاحب الفضل والأحسان ودفع شر الشر وأذهب ذهب النيران.



که مقرر می‌شد، پیش‌تر یاد شد، مقریزی انتخاب خود از کتاب دره‌الأسلاک را بر روی اوراقی نوشته است که قبلاً بخشی از یک ورق بزرگ بوده‌اند. گرچه به شهادت سخاوی، مقریزی توقیع نیز می‌نوشته است^{۱۷}، ولی به هیچ روی معلوم نیست که خطوط اولیه این اوراق نیز از او باشد. استاد ایمن فؤاد سید نیز کوشیده تا به سیاق این خطوط پی‌برد، ولی موفق نشده است.^{۱۸} بعید نیست میان خطوط منتخب دره‌الأسلاک و خطوط مسودات خطط و المقفی الکبیر پیوندی باشد. نکته جالب اینجاست که در برگ ۲۱ ب نسخه «منتخب»، نام «الشیخ علی الکیلانی»^{۱۹} دیده می‌شود. مقریزی در ذرالعقود الفریدة از بازگانی ایرانی به نام خواجه علی بن نجم گیلانی نام برده و گوید او یکی از بزرگ‌ترین بازرگانان و تاجران بوده و مدتی در حجاز سکونت داشته و مقریزی به هنگام مجاورت در مکه به سال ۷۸۷ق او را ملاقات کرده است. وی تاریخ درگذشت این خواجه علی گیلانی را در ۷۹۷ق آورده و گوید او پدر غیاث‌الدین محمد بن علی بن نجم گیلانی است.^{۲۰} خواجه علی گیلانی پسر دیگری هم به نام داوود داشته که به نوشته سخاوی، در ذی‌قعدة ۸۴۲ در حدود هفتاد سالگی، به مرض طاعون درگذشته است.^{۲۱} ابن حجر عسقلانی در کتاب انباء الغمر ذیل سال ۸۱۴ق و در ۸۲۷ق از مردی به نام شیخ علی گیلانی نام برده و در ذیل سال ۸۱۴ق از مأموریت سلطان مصر بدو، برای خرید فلفل – که بسیار گران قیمت شده بود – یاد کرده است.^{۲۲} با توجه به تاریخ درگذشت خواجه علی گیلانی



ت ۵: برگی از «منتخب دره‌الأسلاک».

^{۱۷} محمد سخاوی، همان، ۲۲:۲: «وخط بخطه الكثير... وكتب التوقيع». محمود جلیلی، ضمیمه سوم ملحق به کتاب ذرالعقود الفریدة (۴: ۴۳) به بعد) را به دیوان‌الانشاء و اشتغال مقریزی در آنجا اختصاص داده است. وی با استناد به مطلبی از خود مقریزی در الخطط نکته مهمی آورده است که بنا بر آن، میان ۷۹۱ – ۷۹۲ق، پس از برافتادن حکومت الملک الظاهر برقوق، اوراق دیوان‌الانشاء به فروش رسیده است.

^{۱۸} گذشته از خطط، مقریزی، مسودات المقفی الکبیر را نیز بر روی چنین اوراقی کتابت کرده است. استاد ایمن فؤاد سید در این خصوص می‌نویسد (مقدمه، ص ۱۰۰): «و هذا الورق هو نفس الورق الذي كتب عليه المقریزی مؤدوة كتابه «المقفی الکبیر» المحفوظة في باريس و لندن و هذه الأوراق كانت في الأصل علی شكل لفائف يخبئهم مختلفين ربما كان مصدرها ديوان‌الانشاء المملوكي و لاندری الطول الأصلي لكل لفافة منها قبل تقسيمها إلى أوراق. طول وجه كل ورقة منها ۲۰×۳. تمثل صفحتين متقابلتين من صفحات المخطوط و علی النوع الأول من هذه اللفائف كتابات بقلم نسخ مملوكي غليظ ترك فيها بياض بين كل سطر و السطر الذي يليه ۱۴ اس. يعادل طول الجزء المكتوب في صفحة المسودة و قد استخدم المقریزی هذا النوع بطريقة طولية بحيث جاءت الكتابة بعرض الصفحة بين الفراغ الموجود». احمد مقریزی، درالعقود الفریدة، ۲: ۴۶۷: «علی بن نجم المعروف بخواجه علی الکیلانی، أحد أعيان التجار العجم و أنشأ تربة تخرج خارج باب البرقية تحاكي القصور بلغت الثقة عليها مالا عظيماً و عمل بها طاحوناً يطحن القمح و يدبرها الهواء فكانت شيئاً عجيباً و سكن الحريمين سنين، فلقيته بمكة في مجاورتي سنة سبع و ثمانين و كانت له بها صدقات دائرة مستمرة و بها مات سلخ ذی الحجة سنة سبع و تسعين و سبع مئة و هو والد غياث‌الدین المذكور في المحمدين». نیز نک: ابن فهد، اتحاف الوری، ۳: ۴۰۷. در خصوص پسرش محمد، نک: احمد مقریزی، همان، ۳: ۱۰۵-۱۰۶؛ ابن عماد، شذرات الذهب، ۴: ۱۵۱.

^{۲۰} محمد سخاوی، همان، ۳: ۲۱۴: درباره او نیز نک: همو، خیر الکلام فی الذیل علی دول الأسلام، به کوشش بشار عواد معروف و دیگران (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۵م)، ۲: ۵۶۶، ش ۱۳۰۸.

^{۲۱} ابن حجر عسقلانی، انباء الغمر (حیدرآباد دکن، ۱۹۷۶)، ۷: ۷۶: «و فيها غلاسترا للفلفل جدأ و وصل الفرنج علی العادة فأبى تجار المسلمين أن يبيعوه لهم إلا بسعر مائتين و أربعين فوصلوهم إلى مائتين و عشرين فامتنعوا و رجعوا و لم يشتروا شيئاً و ذلك في سنة خمس عشرة فدخلت سنة ست عشرة و الأمر علی ذلك و كان السلطان جهمز علی الکیلانی أحد التجار بخمسة آلاف دينار يشتري له بها من الفلفل و أمر قاضه أن يعتمد علی ما يشيره شیخ علی...». مقریزی در کتاب السلوك (۴: ۲۵۳) ذیل ۸۱۵ق به اصل موضوع اشاره کرده، ولی از شیخ علی گیلانی نامی به میان نیاورده است. در ۸۲۷ق نیز بار دیگر نام او به میان می‌آید (ابن حجر، همان، ۸: ۳۸): «فی الثامن من المحرم قدم ناظر الجيش عبد الباسط و شیخ علی الکیلانی و فخرالدين التوروزی و الأمير قجق و الأمير أركماس الظاهري و كانوا حجاجاً فسبقوا و دخلوا فی هذا اليوم».